



# جنبه‌های روانی

## رشد تفکر خلاق در دانش‌آموزان

فریده هاشمیان نژاد

است بنابراین می‌توان تحت نظارت و راهنمایی معلمان و مربیان طی فرایند آموزش و از طریق یادگیری، خلاقیت را در آنها به شکل مؤثر و مفید پرورش داد.

ج) پرورش خلاقیت یا تفکر خلاق در دانش‌آموزان جزء لازم پرورش شخصیت است.

د) اهداف روانی تعلیم و تربیت خلاق باید با اهداف عمومی تعلیم و تربیت که در جهت پرورش شخصیت همه‌جانبه و رشد یافته و متعادل هستند، مطابقت داشته باشند. از این دیدگاه اهداف روانی تعلیم و تربیت خلاق می‌تواند بعنوان عناصر کمک‌کننده در نظر گرفته شود.

ه) هدف روانی - تربیتی جهانی، در زمینه پرورش خلاقیت دانش‌آموزان به پرورش فردی اس تکه دارای این تواناییها باشد.

I - توان انجام دادن کارهای مربوط به خود با روش مؤثر و مفید

II - دارا بودن رفتار اجتماعی قابل پذیرش و مناسب

III - مسئولیت پذیری نسبت به تعلیم و تربیت خود (خود تویستی) <sup>۱</sup>، که از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد.

و) اساساً لازمه رشد خلاقیت دانش‌آموزان، معلمان و کادر آموزشی

روانی بپردازیم که روانشناسان تربیتی، معلمان و مربیان بعنوان نقطه شروع پرورش هدفمند خلاقیت، بخصوص در دانش‌آموزان پذیرفته‌اند. این اصول اساسی شامل موارد زیر می‌باشند:

**خلاقیت (تفکر خلاق)، معمولاً مانند سایر پدیده‌های روانی، از طریق فعالیت‌هایی مانند بازی، یادگیری و کار، پرورش می‌یابد.**

**فعالیت اصلی دانش‌آموزان در مدرسه، یادگیری است بنابراین می‌توان تحت نظارت و راهنمایی معلمان و مربیان طی فرایند آموزش و از طریق یادگیری، خلاقیت را در آنها به شکل مؤثر و مفید پرورش داد.**

**الف) هر انسان برخوردار از سلامت ذهنی، مستعد سطح معینی از سطوح خلاقیت است.**

**ب) خلاقیت (تفکر خلاق)، معمولاً مانند سایر پدیده‌های روانی، از طریق فعالیت‌هایی مانند بازی، یادگیری و کار، پرورش می‌یابد. بازی برای کودکان قبل از دبستان اهمیت ویژه‌ای دارد و سبب رشد استعداد و قوه خلاقیت آنها می‌شود. فعالیت اصلی دانش‌آموزان در مدرسه، یادگیری**

از سالهای ۱۹۵۰، روانشناسان توجه خاصی به مسئله خلاقیت نشان داده‌اند (امروزه این مسئله در شاخه‌های جدید از روانشناسی به نام «روانشناسی خلاقیت در دو بعد نظری و علمی بررسی می‌شود). اگر چه این دو جنبه با هم تداخل دارند و نمی‌توان آنها را کاملاً از هم تفکیک کرد. در قلمرو مبحث خلاقیت مباحث اساسی و مهم زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱ - مبانی اساسی از جنبه نظری و روش شناختی برای پرورش خلاقیت

۲ - مفهوم خلاقیت

۳ - ویژگیهای استعدادها و توانایی‌های خلاق

۴ - هوش و خلاقیت

۵ - پرورش خلاقیت؛ مراحل فرایند خلاقیت و سطوح متفاوت خلاقیت در افراد

۶ - هدایت و جهت‌دهی تفکر خلاق در دانش‌آموزان و جایگاه دانش‌آموزان خلاق در کلاس درس

**۱ - مبانی ارسال از جنبه نظری در روش شناختی برای پرورش خلاقیت**

به عنوان مقدمه‌ای برای روانشناسی خلاقیت، ضروری است به ذکر اصول

هستند که برای پرورش رشد خلاقیت، کارآموزی لازم را در مراکز تربیت معلم و یا دوره‌های عالی دانشگاهی گذرانده باشند.

## ۲- مفهوم خلاقیت

تحقیق در روانشناسی خلاقیت اولین بار در دهه ۱۹۵۰، انجام گرفت. در سال ۱۹۵۰ روانشناس امریکایی به نام ج. پ. گیلفورد<sup>۱</sup> تحقیقی درباره خلاقیت به کنگره انجمن روانشناسی آمریکا ارائه کرد که موجب برانگیختن توجه دیگران به این جنبه از ذهن شد. گیلفورد در مورد روش تحقیق و مطالعه‌اش توضیحات لازم را ارائه داد. محقق مشهور دیگر در این زمینه، ای. پی. تورنس<sup>۲</sup> است. بر اساس نظر روانشناس لهستانی زد. پی. تراسینسکی، روانشناسان زیادی مدعی هستند که خلاقیت فعلیتی است که منتهی به نتایج ناشناخته‌ای می‌شود که در عین حال از نظر اجتماعی ارزشمند است.

نویسنده چکسلواکی ج. هلاوسا<sup>۳</sup> برای تعریف خلاقیت، به مطالعه فرایند خلاقیت می‌پردازد. به نظر او خلاقیت یعنی تغییر در روابط موضوع یا شیء، بطوری که از ترکیب عملیاتی که فرد، بر روی موضوع یا شیء انجام می‌دهد، نتایج و روابط دیگری حاصل شود. به این معنا که این نتایج دارای ویژگی‌های جدید و نو بودن، پیشرفته بودن، و قابلیت انتقال به دیگران باشد.

ایجاد کردن چنین تغییراتی معروف تفاوت فرد خلاق از دیگران است. این تعریف از خلاقیت پذیرفتنی است. زیرا با مفهومی که از روانشناسی تربیتی، مدرسه و معلم داریم مطابقت می‌کند و برای مسائل روانی تعلیم و تربیت خلاق نیز کاربرد دارد. این تعریف بر اساس نظریه تجزیه روینستن ارائه شده است. بر مبنای این نظریه تأثیرات خارجی بوسیله نگرشهای درونی فرد مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

## ۳- ویژگی‌های استعداد های خلاق.

مبنای خلاقیت هنگامی بهتر فهمیده

خواهد شد که ویژگی‌های اساسی این توانایی ذهنی انسان تشریح شود. تحلیلی مختصر از مدل ساختار ذهنی که توسط بنیانگذار روانشناسی خلاقیت، گیلفورد، پیشنهاد شده مفید خواهد بود.

لازمه رشد خلاقیت دانش آموزان، معلمان و کادر آموزشی هستند که برای پرورش رشد خلاقیت، کارآموزی لازم را در مراکز تربیت معلم و یا دوره‌های عالی دانشگاهی گذرانده باشند.

مدل به شکل مکعبی توپُر است که دارای سه بعد با اندازه‌های متفاوت است: در این مکعب توانایی‌های ذهنی در ابعاد زیر تنظیم شده‌اند:

الف) عملیات ذهنی، ب) محتوای ذهنی، ج) محصولات ذهنی

### الف) عملیات ذهنی شامل ابعاد زیر است.

- شناخت (کشف یا بازشناسی بعضی چیزها)  
- حفظ کردن (حفظ آنچه یاد گرفته شده، یا کشف شده)  
- تفکر همگرا (ارائه یک راه حل منحصر به فرد و به یک روش خاص)  
- ارزشیابی (تعیین کردن بهترین یا صحیح‌ترین تفکر، راه و روش، تصور، نتیجه و غیره)

### ب) محتوای ذهنی در مدل گیلفورد شامل ویژگی‌های زیر است:

- شکل و نما (آنها اندازه، شکل، رنگ و ساختار یک شی را طوری بیان می‌کنند که منتهی به ادراک بعدی می‌شود.  
- علاقتها و رمزها (مانند اعداد و ارقام، حرف یا نشانه‌های توافق شده مثل ریاضیات)

- مطابقت با علم معانی (شامل زبان و صنایع مربوط به آن مانند نوشته‌های ادبی)  
- رفتار (شامل آنچه هوش اجتماعی، روابط اجتماعی، ارتباطات هوشمندانه و غیره

نامیده می‌شود).

### ج) محصولات ذهنی که نشان دهنده نتایج دو بعد قبلی است:

- واحدها (اشکال و نمادهایی که تولید شده‌اند)

- طبقات (تشکیل شده از واحدهای تولیدی)

- روابط (بین واحدها و طبقات قرار گرفتن)

- نظامها (تشکیل شده از ترکیب کردن

ساختار واحدها بطوری که یک کل کاملاً

سازمان یافته‌ای باشد)

- انتقالات (اصلاح اطلاعات، معنی کردن

تغییرات)

- نتیجه‌گیری‌ها و دلالت‌ها (نتایج و

پیش‌بینی‌هایی که از سایر اطلاعات

استخراج شده است)

در مدل فوق که اصلاحات زیادی

داشته است تأثیرات فرد روی سه بعد آن

می‌تواند موجب تقسیمات زیادی (در

حدود ۱۲۰ خانه کوچک) که هر یک معرف

ویژگی‌های شخصیتی خاصی است بشود.

بطوری که هر یک از خانه‌ها با یکی از

استعدادهای اساسی و فرضی گفته شده در

سه بعد عملیاتی، محتوایی و نتایج مطابقت

کند و حاصل اینها، استعداد اصلی و

منحصر به فردی را شامل شود که این

استعداد از جنبه عملیات ذهنی، محتوای

ذهنی، محصولات ذهنی، طرح خاصی

داشته باشد. به عنوان مثال در این روش،

حافظ طبقات نمادی و سمبلیک ممکن

است رشد کند. در اینجا حافظه مربوط به

بخش عملیات ذهنی، نمادها مربوط به

محتوای ذهنی و طبقات مربوط به

محصولات ذهنی است.

شاخه‌های اساسی خلاقیت شامل:

روانی و بلاغت، انعطاف پذیری، قوه

ابتکار، حساسیت، بازسازی، و

مهارت است.

روانی و بلاغت: توانایی ارائه آسان

اندیشه‌ها و آنچه در روان انسان می‌گذرد در

طی زمان معین به شکل کلمات، عقاید،

اشکال، نمادها و غیره.

**انعطاف پذیری:** توانایی ارائه راه حل‌های مختلف برای حل مسئله و غلبه بر ثبات و یکنواختی تفکر. پیتراسینسکی در آزمایش‌های خود مواردی از انعطاف تفکر را برای نمونه ارائه می‌دهد: از تعدادی دانش‌آموز خواسته که به صورت کتبی یا شفاهی و در مدت ۳ دقیقه همه موارد ممکن در استفاده از یک توپ والیبال را بیان کنند. او بر اساس پاسخهای آنها، سه نمونه از پاسخهای دانش‌آموزان را ارائه می‌دهد.

دانش‌آموز اولی همه موارد کاربرد یک توپ والیبال را این طور شرح می‌دهد: ۱- والیبال، ۲- بسکتبال، ۳- فوتبال، ۴- هر نوع توپ بازی بین دو تیم و برای هندبال.

دانش‌آموز دومی در مورد موارد استفاده از توپ چنین گفت: ۱- بازی روی چمن، ۲- سایر بازیهای ورزشی، ۳- نشستن روی آن، ۴- برای طبل زدن با آن ۵- برای شنا کردن.

سومین دانش‌آموز موارد استفاده از توپ را چنین بیان می‌دارد: ۱- بعنوان یک وزنه، ۲- یک کره، ۳- یک اسباب‌بازی، ۴- یک دکور، ۵- یک ابزار موسیقی.

داده‌ها نشان دهنده این است که هر یک از دانش‌آموزان ۵ پاسخ به سؤال مورد نظر داده‌اند اما از نظر انعطاف‌پذیری در پاسخها، پاسخهای سومین دانش‌آموز بسیار جالب بودند زیرا موارد کاربرد توپ از نظر او شامل آنچه در نظر عموم، هدف اصلی توپ است، نبود. علاوه بر این شامل انواع توپ‌بازیها نیز نبوده بلکه هر یک از پاسخهای او نشاندهنده روشی بطورکلی متفاوت در کاربرد توپ بود. این دانش‌آموز کاملاً خودش را از محدوده راه‌حلها و پاسخهای آشکار و تعیین شده آزاد کرده است.

**قوه ابتکار:** مثالهای زیر سطوح مختلف ابتکار را در افراد نشان می‌دهد:

پیدا کردن عنوان برای داستان؛ در یک آزمایش از عده‌ای دانش‌آموز خواسته شد برای حوادث یا داستانی که می‌شنوند عنوانی جدید و ابتکاری پیدا کنند. مثلاً: «پسری در حومه شهر زندگی می‌کند، او که

فقط ۳ سال سن دارد توانایی خواندن، حساب کردن و نواختن پیانو را نیز دارد.» عنوانهای خلاق برای چنین داستانی شامل این موارد بود: معمای برای دانشمندان، انیشتین جدید، بیزاری از مدرسه، آیا او می‌داند چگونه بنوازد؟ و غیره.

**حساسیت:** حساسیت به مسائل به معنای توانایی توجه به مسئله و درک آن است قبل از اینکه دیگران متوجه آن بشوند یا آن را ببینند. در اینجا مثالی از میزان حساسیت در زمینه ریاضیات می‌آوریم:

مثلی بسازید که زوایای آن با اندازه‌های زیر باشند:  $\angle A = 90^\circ$ ،  $\angle B = 45^\circ$ ،  $\angle C = 50^\circ$ . دانش‌آموزانی که حساسیت‌پذیری بالایی دارند فوراً متوجه می‌شوند که ساخت چنین مثلی امکان ندارد زیرا مجموع زوایای مثلث برابر  $180^\circ$  است.

**بازسازی:** منظور از بازسازی یک شیء تعریف دوباره شیء یا بیان دوباره آن است.

تکلیفی که در این رابطه به دانش‌آموزان داده شد شامل تغییر دادن هدف کاربردی یک وسیله بود. برای مثال: ۵ وسیله به آنها نشان دادند (خط‌کش، لوله شیشه‌ای، چوب باریک، مداد، چراغ توه). سپس سؤال کردند کدام یک از این وسیله‌ها می‌تواند برای یک نت موسیقی استفاده بشود؟ لوله شیشه‌ای برای این کار می‌تواند استفاده شود؛ مشروط بر اینکه یک طرف آن را ببندیم و در قسمت باز آن بدمیم.

برای پرورش توانایی خلاقیت در جهت بازسازی اهداف کاربردی وسایل، باید از روشی استفاده کنیم که بر آن اساس بتوانیم اهداف دیگری برای کاربرد اشیاء در نظر بگیریم. بطور مثال: با ترکیب کردن و درهم کردن دو وسیله مختلف بتوانیم یک وسیله جدید با کاربردی نو بسازیم.

**مهارت و استادی در کار:** مهارت و استادی در خلاقیت توانایی‌ای است که بر اساس آن فرد می‌تواند عناصر تکمیل‌کننده برای کامل کردن یک کل را تشخیص دهد. بطور مثال: در یک عبارت مثل: کار، -، -، -، پرتقال، فرد باید بتواند توانایی را با

استفاده از اولین کلمه و آخرین کلمه پر کند و بدین وسیله عبارت را تکمیل کند. به عنوان مثال کلمات حذف‌شده می‌تواند پس انداز، پول و غذا باشد.

روشهای دیگری نیز وجود دارد که در آنها جاهای خالی بوسیله جاهای پر هدایت می‌شود و یک مجموعه کلمه معنی‌دار ارائه می‌دهد.

باید گفت: همه این توانایی‌ها با هم و همزمان در فرایند خلاقیت حضور ندارند، علاوه بر آن در هر نوعی از خلاقیت یک ویژگی، اهمیت خاصی پیدا می‌کند، همه این توانایی‌ها بستگی به تفکر واگرا ندارند. توانایی‌های فوق توسط بتیانگزاران روانشناسی خلاقیت، گیلفورد و تورنس، پیشنهاد شده بود. روانشناس روسی آران. لاک توانایی‌های خلاقیت را بطور جزئی مورد تحلیل قرار داده و آنها را در سیزده گروه طبقه‌بندی کرده است:

- ۱- پشتکار در جستجو کردن حل مسائل،
- ۲- خلاصه کردن عملیات فکری و انتزاعی،
- ۳- توانایی ادراک و فهم کل،
- ۴- توانایی ارتباط دادن مفاهیم،
- ۵- آمادگی برای حفظ کردن،
- ۶- انعطاف در تفکر،
- ۷- توانایی ارزیابی و فهم موقعیت بطور کل،
- ۸- توانایی انتقال تجربیات،
- ۹- توانایی تجزیه و ترکیب،
- ۱۰- توانایی تعمیم تفکرات و انتزاعها،
- ۱۱- توانایی مشارکت،
- ۱۲- روانی و بلاغت در سخن،
- ۱۳- توانایی تکمیل کردن فعاليتها

تاکنون ۶ نوع از توانایی‌هایی را که گیلفورد پیشنهاد کرده و ۱۳ نوعی را که لاک مطرح کرده به عنوان توانایی‌هایی که اساس تفکر خلاق هستند ارائه کردیم. اکنون می‌خواهیم به ۶ نوع توانایی دیگر پردازیم که گیلفورد در ارتباط با هر مرحله فرایند خلاقیت عنوان نموده است. انواع توانایی‌های خلاقیت از نظر گیلفورد شامل:

- ۱- روانی و بلاغت در سخن، ۲-
- انعطاف‌پذیری، ۳- ابتکار، ۴- حساسیت، ۵-
- بازسازی هدف و کاربرد اشیاء، ۶- مهارت و

استادی است.

بطور مثال در مرحله مقدماتی، اول از همه حساسیت و سپس انعطاف‌پذیری و ابتکار، لازم و غیرقابل اجتناب هستند. برای مرحله آفرینش و پروراندن خلاقیت، روانی و بلاغت و انعطاف‌پذیری اهمیت خاصی پیدا می‌کند. مرحله درک شهودی و مستقیم مستلزم حساسیت، روانی و بلاغت، انعطاف‌پذیری و بویژه ابتکار می‌باشد و برای آخرین مرحله فرایند خلاقیت، یعنی مرحله ارزیابی، عامل بازسازی و بازآفرینی (تفسیر کتبی یا شفاهی) بیشترین اهمیت را پیدا می‌کند. مراحل مزبور در فرایند خلاقیت هنوز هم مورد قبول هستند و از آنها استفاده می‌شود.

#### ۴- هوش و خلاقیت

فعالیت‌های خلاق در مقایسه با فعالیت‌های هوشی مستلزم سطح توانایی‌های ذهنی بالاتری است. تفاوت توانایی‌های خلاق در این واقعیت نهفته است که این نوع استعدادها نه تنها به آسانی با مسائل جدید، انتخاب راه‌حل برای آنها، انتقال دانستنیها و راه‌حلا از یک موقعیت به موقعیت دیگر، کاربرد تجربیات قبلی در موقعیت جدید (این مورد در فعالیت هوشمندانه نیز هست)، مواجه می‌شوند بلکه اصولاً در ارتباط با اختراع جدید، راه‌حلهای ابتکاری و غیرعادی بوده و از همه مهم‌تر اینکه به طرح مسائل جدید می‌پردازند. این موارد نشان‌دهنده روش تفکر واگرا است که بوسیله تست‌های خلاقیت قابل اندازه‌گیری می‌باشد.

امروزه خلاقیت به دلیل ویژگی ابتکاری و نوآور آن مورد توجه قرار گرفته است. هوش نیز بوسیله آزمونهای هوش اندازه‌گیری می‌شود و بر خلاف خلاقیت، یعنی دادن پاسخ مشخص که حاصل همه محتویات ذهن فرد برای حل صحیح مسئله است، عمل می‌کند. در تست‌های اولیه هوش، جایگاهی برای ابتکار، درک و فهمیدن مسائل با روشی جدید، مشاهده مستقل مسائل و ایجاد موقعیت‌های

مسئله‌دار جدید وجود ندارد. تست‌هایی که به سنجش سطح خلاقیت می‌پردازند از تست‌های هوش کاملاً متفاوت هستند. تست‌های خلاقیت با این هدف تنظیم شده اند که سبب برانگیختن تفکر واگرا در بیشترین آن بشوند. از دهه ۱۹۶۰ توجه خاصی به ارتباط بین سطح هوش (IQ) و خلاقیت نشان داده شده است.

اطلاعات بوسیله تست‌های مختلف هوش و خلاقیت و با استفاده از گروههای سنی مختلف جمع‌آوری شده است. بر اساس بررسیهای انجام شده میزان همبستگی بین سطح هوش و خلاقیت در حدود ۳۰٪ است. این عدد ارتباط و همبستگی کمی را نشان می‌دهد، به عبارت دیگر تفکر خلاق خیلی کم به هوش وابسته است: خلاقیت ابعاد هوش خاصی را به صورت یک مجموعه مرتبط تشکیل می‌دهد. اف. بارن<sup>۷</sup> دریافت که گرایش به خلاقیت از لحاظ هوشی امری انتخابی است و از این رو توانایی‌های فرد خلاق دارای سطح هوش بالاتری است. بارن همبستگی مثبت (۴۰٪) را برای کل نمره هوش مطرح می‌کند. همچنین در نمره هوش بالای ۱۲۰ تأثیر هوش بر خلاقیت ناچیز است.

مدارس سنتی حتی برای معلمان خلاق این امکان را فراهم نمی‌کنند که بتوانند جو ابتکار و نوآوری را در مدرسه، کلاس یا در طی درس پرورش دهند. نظام آموزشی جدید باید برای رشد این جنبه تجهیزات لازم را فراهم آورد.

در آزمایشهای مربوط به ارتباط بین خلاقیت و هوش، محققان در تشخیص ۴ گروه اساسی موافقت کرده‌اند: ۱- سطح بالای خلاقیت و هوش، ۲- سطح بالای خلاقیت و سطح پایین هوش، ۳- سطح پایین خلاقیت و سطح بالای هوش، ۴- سطح پایین خلاقیت و هوش. معمولاً چنانچه بپذیریم که هوش بالا

می‌تواند با سطح پایین‌تر خلاقیت تلفیق شود، در این صورت سطح بالای تفکر خلاق با سطح خیلی پایین هوش هم تلفیق نمی‌شود.

#### مراحل فرایند خلاقیت

مهارتهای خلاقیت توسط فرد خلاق طی مراحل خاصی صورت می‌گیرد. این مراحل بر اساس بررسی و مطالعه اظهارات افراد خلاق و مبتکر و بر مبنای داده‌های تحقیقی استخراج شده‌اند. مراحل فرایند خلاقیت به صورت زیر تفکیک شده‌اند؛ الف) مرحله مقدماتی؛ در این مرحله فرد از وجود مسئله آگاه شده و در جستجوی راهها و وسایلی جهت حل آن برمی‌آید.

ب) مرحله پرورش دادن و تولیدکردن؛ نقش عمده این مرحله، فعالیت نیمه‌هوشیار در جهت حل مسئله بطور فرعی است. سهم عمده این مرحله نتیجه درک و دریافت شهودی و مستقیم است.

ج) مرحله روشن‌شدن مسئله (الهام‌شدن)؛ ویژگی این مرحله پیداکردن راه حل مسئله بطور ناگهانی است. بعد از آن، حالت تنش و اضطراب کاهش می‌یابد. گفتنی است که حداکثر فرایند خلاقیت در این مرحله اتفاق می‌افتد. الهام بکار گرفته شده در این مرحله حاصل تفکر خلاق فرد خلاق است.

د) مرحله تصدیق و ثابت‌کردن؛ آخرین مرحله فرایند خلاقیت است. وقتی که مسئله‌ای بطور موفقیت‌آمیز حل می‌شود، انگیزه دانش‌آموز برای فعالیت‌های بعدی خود، تقویت شده و حداقل به احساس خوشایند ناشی از موفقیت می‌انجامد.

#### محیط خلاق

یادگیری در صورتی به پرورش توانایی‌های خلاقیت کمک می‌کند که در محیط روانی ویژه‌ای انجام شود. در اینجا رابطه متقابل و محکمی بین شخصیت و محیط برقرار است. بدین معنا که هر چه شرایط محیطی که کودک در آن به یادگیری

و تعلیم و تربیت مشغول است از لحاظ پرورش خلاقیت مناسب‌تر باشد شرایط مساعدتری برای رشد خلاقیت فراهم خواهد شد.

مدارس سنتی حتی برای معلمان خلاق این امکان را فراهم نمی‌کنند که بتوانند جو ابتکار و نوآوری را در مدرسه، کلاس یا در طی درس پرورش دهند. نظام آموزشی جدید باید برای رشد این جنبه تجهیزات لازم را فراهم آورد.

### دانش آموز خلاق در کلاس درس

یکی از وظایف اساسی مدرسه، تعلیم و تربیت شخصیت‌های خلاق و کارکنان نوآور برای همه زمینه‌های زندگی، اعم از اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی است. قدرت فرد به وسیله عضویت او در جامعه به ظهور می‌رسد و قدرت جامعه بوسیله فعالیت افراد بسیار خلاق و تعداد زیاد کسانی که از نظر اجتماعی جهت داده شده‌اند، استحکام می‌یابد.

در ارتباط با تعلیم و تربیت خلاق و یا پرورش شخصیت شهروند خلاق موارد زیر قابل توجه است؛ ۱- ارتباط بین خلاقیت و جامعه، ۲- امکانات انطباق تعلیم و تربیت برای خلاقیت با تعلیم و تربیت برای جامعه

### ارتباط بین خلاقیت و جامعه

تعلیم و تربیت جامعه و تعلیم و تربیت خلاق در مدرسه دو جنبه از یک امر واحد را نشان می‌دهد یعنی نشان‌دهنده تعلیم و تربیت بعنوان یک «کل» می‌باشد. بعلاوه، توسعه جامعه مستلزم تعلیم و تربیت افراد خلاق و اجتماع هر دو است. البته، سطح خلاقیت و تفکر خلاق در هر دانش‌آموز با

دیگری متفاوت است.

چنانچه در بعضی از موارد افراد خلاق تناقض‌هایی ایجاد کنند، باید بطور منطقی از آنها به عنوان عامل پیشرفت هم برای خودشان و هم برای کلاس استقبال کرد.

جالب این است که بچه‌های قبل از دبستان جوهره هر دو بُعد، خلاقیت و جامعه را در خود دارند و ما می‌توانیم بازی خلاق را در مشارکت گروهی و جمعی آنها مشاهده کنیم.

اما حتی در این مرحله از رشد، نقش تعلیم و تربیت قطعی است. تعلیم و تربیت وقتی درست عمل می‌کند که در تربیت اجتماعی افراد، به دنبال یکسان کردن آنها نباشد، زیرا هنگامی که به تفاوت‌های فردی احترام می‌گذاریم و وقتی که سطوح متفاوت خلاقیت و تفکر خلاق در شاگردان مورد پذیرش ما قرار می‌گیرد. آنگاه نتیجه تربیت اجتماعی، یکسان کردن افراد نخواهد بود، یکنواختی و همسانی در تعلیم و تربیت هنگامی پیش می‌آید که بین فرد و جامعه رابطه بسیار محکمی برقرار باشد و در عمل نیز پیاده شود و این همان چیزی است که تاکنون اتفاق افتاده است.

روانشناسان راه‌هایی را نشان داده‌اند که تحت راهنمایی معلم، احساس جمعی و تفکر خلاق در افراد، هر دو، در کنار هم در کلاس درس مورد توجه و تشویق قرار بگیرد. آنها ایجاد شرایط زیر را بعنوان راه‌حل پیشنهاد کرده‌اند:

- دانش‌آموز خلاق بتواند در فعالیتهای کلاسی شرکت نموده، مسئولیت‌های مهم را

تقبل نموده و بطور فعال همکاری نماید.

- صداقت و علائق گسترده دانش‌آموز خلاق بتواند توسط همکلاسی‌هایش برای کارهای مفید مورد استفاده قرار گیرد.

- دانش‌آموز خلاق از این امر آگاه شود که فقط در یک جامعه سالم است که علاقه زیاد او به بیان خود می‌تواند تحمل شود و افراد، نسبت به آن نظر مثبت نشان دهند.

- دانش‌آموز خلاق خیلی بذله‌گو است بطوری که می‌تواند یک محیط شاد در کل جامعه ایجاد کند و بدین وسیله سبب فرونشاندن تنشها و اضطراب سایر بچه‌ها شود و برای مشکلات راه‌حلهای خوشایند پیدا کند.

- تهور و شجاعت روانی دانش‌آموز خلاق و فعالیت‌هایش، در خیلی از موارد می‌تواند برای جامعه بطور کل سودمند باشد.

- پذیرش دانش‌آموز خلاق توسط بعضی از همکلاسی‌هایش سبب تقویت شخصیت او شده اگرچه این نکته نمی‌تواند انگیزه اصلی برای افزایش فعالیت‌های خلاقانه او باشد.

- ارزشیابی مستقل، توانایی‌های ذهنی و عقاید مستقل دانش‌آموز خلاق ممکن است به عنوان الگو برای سایر دانش‌آموزان کلاس مطرح شود.

در نتیجه‌گیری از این فصل، باید گفت: اصولاً یک جامعه مطلوب دانش‌آموزی، بوسیله خلاقیت و تفکر خلاق هر یک از دانش‌آموزان از هم گسیخته نمی‌شود و چنانچه در بعضی از موارد افراد خلاق تناقض‌هایی ایجاد کنند، باید بطور منطقی از آنها به عنوان عامل پیشرفت هم برای خودشان و هم برای کلاس استقبال کرد.

